

ضرورت مبارزه با نفس از دیدگاه امام علی(علیه السلام) در نهج البلاغه

سیده مطهره موسوی

طلبه سطح دو

چکیده

نفس، به معنی جان، روح، روان و نشان دهنده ی زنده بودن است. در علوم اسلامی و قرآن، به عنوان جهت دهنده و حرکت و اندیشه انسان شناخته می شود و بسیاری از کردار ها و رفتارهای انسان به پیروی از نفس او شکل می گیرد. این پژوهش با هدف بررسی نفس در اعمال انسان و به تبع آن تاثیرگذاری در سعادت و شقاوت او تنظیم گشته است. چون نهج البلاغه مجمعی از کلام مولاست و متصل به علم الهی می باشد ، به عنوان بهترین منبع برای پیدا کردن مباحث این پژوهش قرار گرفته است. از این رو در این تحقیق ضرورت مبارزه با نفس از کلام مولا (علیه السلام)، در نهج البلاغه جست و جو شد و نتایج آن در قالب این پژوهش با عناوین (راه های حسابرسی نفس) و (راه های اصلاح نفس) و شرح آن و با کمک آیات و روایات مربوطه گردآوری شده است. مطالب تحقیق حاضر با روش کتابخانه ای گردآوری و به روش توصیفی تحلیلی تدوین گردیده است.

واژگان کلیدی: مبارزه، نفس، نهج البلاغه

۱. مقدمه

قبل از پرداختن به متن اصلی پژوهش، ابتدا به بیان مساله و ضرورت آن و اهداف تحقیق و پیشینه آن پرداخته می شود:

۱.۱. بیان مسئله

انسان در طول حیات دارای نفس است. این نفس، دارای درجات و مقدماتی می باشد و هر یک از این درجات برای خود دارای یاورانی هستند. دسته اول، یاوران عقلانی و رحمانی هستند که نفس را و سرانجام انسان را به سعادت می رسانند، و دسته دوم، یاوران شیطانی هستند که نفس را به شقاوت و بدبختی می رسانند. در همه حال بین این دو دسته جدال است، اگر یاوران رحمانی پیروز شوند، انسان سعادت مند شده در غیر این صورت انسان در حسرت سعادت خواهد ماند. یکی از مهم ترین و ارزشمند ترین منابع جهت شناخت این موارد، سخنان امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج البلاغه است. که در این تحقیق اختصارا به شناخت این موارد، پرداخته می شود.

۱.۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

همان طور که بیان شد، نفس اراده ای است که از انسان جدا نمی شود. این نفس به دلیل نتایجی که در زندگی او به جا می گذارد تاثیر مستقیمی در سرنوشت او دارد. اما این که این تاثیرگذاری حسن باشد یا قبیح، بستگی به این دارد که اراده ی نفس بر چه امری تعلق می گیرد. لذا برای مدیریت بهتر این نفس نیاز به رعایت بایدها و نبایدهایی است که برای شناخت اینها باید به کلام معصوم رجوع کند تا از سرچشمه ی علم الهی بهره مند گردد، که راه دست یابی به کمال را نزدیک تر می کند.

۱.۳. اهداف تحقیق

این تحقیق شامل اهداف متعددی است:

هدف اصلی

طبق کتاب شریف نهج البلاغه ضرورت مبارزه با نفس چیست؟

هدف فرعی

الف) ضرورت حسابرسی نفس در نهج البلاغه چیست؟

ب) راه های اصلاح نفس در نهج البلاغه چیست؟

۱.۴. پیشینه تحقیق

پس از جست و جو در سایت های مختلف به منظور پیشینه شناسی، نتایجی مرتبط با موضوع پژوهش حاصل نشد.

۲. مفهوم شناسی واژه های تحقیق

در این بخش از تحقیق به بررسی لغوی و اصطلاحی واژگان مهم پرداخته می شود:

۱.۲. معنای مبارزه:

نبرد کردن با همدیگر. در فقه، دو نفر سرباز از صف خود بیرون آیند و در میدان باهم نبرد کنند. مغنی المحتاج، ج ۴ موارد استعمال: مبارزه بدون اذن امام مکروه است. شرح لمعه، کتاب جهاد (مروج، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۵۹)

بَرَزَ در لغت به معنی ظاهر شدن پس از کتمان، برتری در فضیلت، و شجاعت در جنگ تن به تن آمده است. در اصطلاح عبارت است از: مبارز طلبیدن در میدان نبرد برای جنگ تن به تن و یا اعلان جنگ. حضرت علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: «لَا تَدْعُوَنَّ إِلَى مُبَارَزَةٍ وَإِنْ دُعِيتَ إِلَيْهَا فَاجِبٌ، فَإِنَّ الدَّاعِيَ بَاغٍ، وَ الْبَاغِي مَصْرُوعٌ» ای فرزندم! در جنگ ابتدا مبارز مطلب، ولی اگر تو را برای مبارزه خواندند، اجابت کن، زیرا مبارزه طلب (جنگ طلب) ستمکار است، و ستمکار شکست خورده است. (آخوندی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۰۸)

۲.۲. معنای نفس

روح و جان. یق: خرجت نفسه: بدر رفت جان او. و خون. یق: سالت نفسه: سیلان کرد خون آن. الحدیث: ما لیس له نفس سائلة فانه لا ینجس الماء اذا مات فیه. و تن و جسد. و چشم زخم. یق: نفسسته بنفس: چشم زخم رسانیدم آن را. و نزد و نزدیک. یق: تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسک: می دانی آنچه در نزد منست و من نمی دانم آنچه در نزد تست. و عین هر چیزی و خود هر چیزی. یق: رایت فلانا نفسه: دیدم خود فلان را. و جائنی بنفسه: خودش آمد در نزد من. و اندازه یک دباغت از بیخ و برک درخت سلم و جز آن. یق: هب لی نفسا من دباغ. و اراده و قصد دل. و ننک و عار و عیب. و بزرگی و عظمت و جلالت. و همت و چیرگی و ارجمندی و عقوبت. و منه قوله تعالی: وَ یَحْذَرُکُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ * [جمع] انفس و نفوس. [مصدر] [عربی] انفس نفسا و نفاسا و نفاسة. [انفاسة. مأخوذ از تازی-جان و روان و روح و شخص و ذات و حقیقت و خود هر کسی و خود هر چیزی و هستی و عین چیزی.. (نفیسی، ج ۵، ص ۳۷۴۲)

جان. روح. روان. قوه ای است که بدان جسم زنده، زنده است و بقای او در بدن عبارت است از حیات، و انفصال او عبارت است از موت. خود هر کسی. خود هر چیزی. خویشتن. حقیقت شیء و هستی و عین هر چیز. عین هر

چیزی. خود هر چیزی. برای تأکید گفته می‌شود. ذات. خمیر. طینت. تن. جسد. شخص. تن مردم و جز او. مراد از نفس شخص، همگی شخص و سراپای انسان است. (دهخدا، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۳۰۱۶)

۲.۳. معرفی نهج البلاغه:

نهج البلاغه از نظر لغت، نهج، به معنی راه و روش روشن، بلاغت، یعنی سخن گویا و رسا، به مقتضای حال و میزان فهم مطالب سخن گفتن. فصاحت، یعنی سخن پردازی، آوردن الفاظ و کلمات و عبارات محکم و زیبا و سنجیده. نهج البلاغه یعنی روش سخن گفتن. نهج البلاغه منتخبی از سخنان، خطبه ها، نامه ها، دعاها، وصایا، جمله ها و کلمات کوتاه امام علی (علیه السلام) است که سیدرضی آن را در قرن ۴ جمع آوری کرده و در سه بخش جداگانه تنظیم نموده است. بخش اول خطبه ها، بخش دوم نامه ها، و بخش سوم، کلمات قصار و کوتاه آن حضرت است (فیض الاسلام، ۱۳۷۹ش، ج ۳، ص ۴۲۳).

کتاب (نهج البلاغه) که نازله ی روح امیرالمومنین علیه السلام است، برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خود و خودخواهی، خود معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه ای است دارای ابعادی به اندازه ی ابعاد یک انسان و یک جامعه ی بزرگ انسانی، از زمان صدور آن، تا هر چه تاریخ به پیش رود و هر چه جامعه ها به وجود آید و ملت ها متحقق شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیابند و در آن غور کنند و غرق شوند (امام خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ۱۴، ص ۳۴۸).

سیدرضی (۴۰۶-۳۵۹ق)، نهج البلاغه را در سال ۴۰۰ق جمع آوری کرده است (تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۴، ص ۴۱۳). همچنین بعد از قرآن، نهج البلاغه را یکی از کتاب های مورد توجه شیعیان برای حفظ کردن معرفی کرده اند (مصطفوی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۲).

از امتیازات فوق العاده نهج البلاغه که هر خواننده ی آگاهی، در همان لحظات نخستین با آن آشنا می شود، مسأله جامعیت و تنوع عجیب آن است به طوری که انسان باور نمی کند یک فرد بتواند این همه گفتار نغز و سخنان شیرین و حساب شده و دقیق در موضوعات کاملاً مختلف بلکه متضاد گردآوری کند و مسلماً این کار از غیر امیر مومنان علی (علیه السلام) که قلبش گنجینه اسرار الهی و روحش اقیانوس عظیم علم و دانش است، ساخته نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۳۹).

۳. یافته های تحقیق

پس از ارائه چهارچوب نظری پژوهش نوبت به انعکاس یافته های تحقیق می رسد:

با توجه به این که نفس، نتایجی در زندگی انسان به جای می گذارد و تاثیر مستقیم در عاقبت او دارد، در این قسمت از مقاله با بررسی سخنان حضرت امیر در نهج البلاغه عاقبت رعایت باید‌ها و نبایدها، که راه دست یابی به کمال است به طور خلاصه تبیین شده است.

۳,۱. ضرورت حسابرسی نفس در نهج البلاغه

در این مورد ضرورت حسابرسی نفس که عواقبی را برای انسان به جای می گذارد بررسی می شود:

وَفَرَّغُوا لِمَحَاسِبِهِمْ عَلَى كُلِّ صَغِيرَةٍ وَكَبِيرَةٍ أُمِرُوا بِهَا فَقَصَرُوا عَنْهَا، أَوْ نُهُوا عَنْهَا فَفَرَّطُوا فِيهَا، وَحَمَلُوا ثِقَلَ أَوْزَارِهِمْ.

امام علیه السلام در این بخش از خطبه ترسیم دقیقی از حال اهل ذکر و اولیاء الله می کند که چگونه آنها به محاسبه خویش می نشینند و به جبران کاستیها می پردازند، می فرمایند: «اگر حال آنها را در برابر عقل خود مجسم سازی و مقامات ستوده و مجالس آنان که مشهود فرشتگان است را بنگری که نامه های اعمال خویش را گشوده و به حسابرسی اعمال خود نشسته اند و هر کار کوچک و بزرگی که مأمور به آن بوده اند و کوتاهی کرده اند یا از آن نهی شده بودند و مرتکب گشته اند حساب می کنند. و سنگینی بار خطاهایشان را بر دوش خود احساس کرده که از کشیدن این بار سنگین ناتوانند و در نتیجه گریه گلویشان را فشرده و با صدای بلند همراه با یکدیگر ضجه می زنند و در پیشگاه پروردگارشان در مقام اظهار ندامت و اعتراف به تقصیر آمده اند» (خطبه - ۲۲۲).

سپس امام علیه السلام بعد از ذکر حالات و اولیاء الله که چگونه آنها مراقب حالات خویش و مشغول محاسبه اعمال خود هستند و چگونه در برابر کوتاهی هایی که از آنها سرزده، عکس العمل نشان می دهند و به درگاه خدا می نالند، به نتیجه آن پرداخته می فرماید: (اگر آن حالات و آن عوالم معنوی را در نظر مجسم کنی) خواهی دید که آنان نشانه های هدایت و چراغهای پرفروغ برطرف کننده تاریکیها هستند. فرشتگان آنها را در میان گرفته و آرامش و سکینه الهی بر آنها نازل شده، درهای آسمان به رویشان گشوده و جایگاه و مقامهای والای کرامت برای آنان فراهم گشته، در جایی که خداوند به آنها نظر رحمت افکنده و از سعی و کوشش آنها راضی است و موقعیتشان را می ستاید؛ (لرأیت أعلام هدی، و مصابیح دجی، قد حفت بهم الملائكة، و تنزلت علیهم السکینه، و فتحت لهم أبواب السماء، و أعدت لهم مقاعد الکرامات فی مقعد اطلع الله علیهم فیه، فرضی سعيهم، و حمد مقامهم). (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۸، ص ۳۶۱).

این قسمت از کلام امام در واقع جواب شرطی است که در جمله گذشته: (فلو مثلتهم ...) بیان شده بود. امام علیه السلام در اینجا پنج وصف یا نتیجه مهم برای مراقبت های آنها ذکر می فرماید که نشانه های هدایت و چراغهای

-در طریق هدایت و رستگاری و سیر الی الله پر نشاط و فعال است، و این به سبب حسن اعتقاد اوست به آنچه خداوند به پرهیزگاران وعده داده است و همچنین نتیجه توجّه به شرافت هدف والایی است که دارد .

-در باره اعمال شایسته ای که به جا می آورد بیمناک است، بدین سبب که مبدا به گونه ای که مطلوب و سزاوار است انجام نگردیده، و مورد قبول حضرت حقّ واقع نشده باشد چنان که از امام زین العابدین (ع) روایت شده است هنگامی که برای ادای حجّ تلبیه می گفت ناگهان از شتری که بر آن سوار بود مدهوش به روی زمین افتاد، و موقعی که به هوش آمد علّت را از او پرسیدند، فرمود: ترسیدم پروردگارم در پاسخم بگوید: لا بُیک و لا سعیدک .

-کوشش او در شب سپاسگزاری از خداست، به مناسبت آنچه در روز، روزی او کرده و بر آنچه او را از آن محروم داشته است، همچنین سعی او در روز ادای ذکر الهی است، تا خدا هم او را یاد کند و کمالات نفسانی و بدنی را روزی او گرداند، چنان که فرموده است: فاذکرونی اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون (همان، ص ۷۶۳).

این گفتار هر چه را پرهیزگار از آن بیمناک و بر حذر است، و همچنین آنچه را بدان خرسند است توضیح می دهد و مقصود آن حضرت این نیست که شب او به بیم از غفلت، و روز او به خشنود بودن اختصاص دارد، بلکه این سخن شبیه این است که می گوییم: فلانی شب را با بیم و روز را با شادی آغاز کرد، همچنین در آن جا که به شکر پرهیزگاران در شب، و ذکر آنها در روز اشاره فرموده منظور آن بزرگوار اختصاص آنها در این اوقات نیست .

-فرموده است: إن استصعبت... تحبّ .

این سخن در باره مقاومت مسلمان پرهیزگار است که هنگامی که نفس امّاره کار را بر او دشوار می سازد در برابر او پایداری می کند، و آن را بر خلاف آنچه میل دارد مجبور می سازد، و به خواسته ها و تمایلات آن اعتنا نمی کند .

-روشنی چشم و شادی دل خود را در چیزهایی می داند که از میان رفتنی نبوده، و در زمره کمالات نفسانی پایدار باشد، مانند دانش و حکمت و صفات برجسته اخلاقی که همگی متضمن لذات باقی و سعادت دائمی است. اصطلاح قرّه عینه (روشنی چشمش) کنایه از خوشی و شادمانی اوست، زیرا مستلزم این است که با دیدن آنچه مطلوب اوست چشمش بدان قرار و آرام گیرد، و از آنچه رفتنی و ناپایدار است چشم پوشد و زهد اختیار کند .

-بردباری را با دانش در آمیخته است، پس نادان نیست تا سبکسری کند، همچنین گفتار را با کردار قرین ساخته است در نتیجه آنچه را نمی کند نمی گوید، و به کار نیکی که خود آن را به جا نمی آورد فرمان نمی دهد، و از کار زشتی که پس از گفتن، خودش مرتکب آن می شود دیگران را نهی نمی کند، و از وعده خود تخلف نمی ورزد تا خود را در زمره دشمنان خدا قرار دهد، چنان که فرموده است: (کَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ).

-آرزویش کوتاه است، و آمال دور و دراز ندارد، زیرا مرگ را بسیار یاد می کند، و پیوسته در اندیشه لقای پروردگار است(همان، ص ۷۶۴).

لغزشهایش اندک است، می دانیم که لغزش های خداشناسان از قبیل ترک اولی است، زیرا صدور کارهای خوب و شایسته، ملکه و طبیعت آنها گردیده، و انگیزه های لغزش و خطا در آن ها کم بوده، و به ندرت و بر حسب ضرورت و یا اشتباه مرتکب این امور می شوند، و در این باره شکی نیست .

-دل او در برابر خداوند ترسان و خاشع است، زیرا نظر بر عظمت معبود و جلال کبریائی او دارد .

-نفس او قانع است، این صفت بر اثر توجّه به حکمت و قدرت خداوند است، و این که اوست که روزی مردم را تقسیم می کند، تصوّر سودی که قناعت در دنیا، و نتایجی که در آخرت دارد این صفت را در او راسختر و نیرومندتر می گرداند .

-خوراک او اندک است، زیرا می داند که پرخوری مایه از دست رفتن زیرکی و هشیاری، و موجب از میان رفتن نرمدلی و پدید آمدن سخت دلی و تنبلی است .

-کارش آسان است، یعنی به خاطر کسی خود را به رنج نمی اندازد، و دیگری را به زحمت وای نمی دارد .

-دینش را نگهبان است، و چیزی از آن را ترک نمی کند، و خللی بر آن وارد نمی سازد(همان، ص ۷۶۵).

شهوتهش مرده است، واژه مرگ برای خاموشی و فرو نشستگی شهوت او در جهت آلودگی به حرام استعاره شده، و این حالت ناشی از ملکه عفت اوست .

-خشم خود را فرو برده است، این صفت از فضیلت های نیروی غضبیّه است .

-نیکي او مورد امید و انتظار است، زیرا نیکوکاری بیشترین کار اوست، و مردم از شرّ او ایمن و آسوده اند، برای این که می دانند او قصد بدی و آزار رسانی ندارد .

-فرموده است: (إِنَّ كَانِ فِي الْغَافِلِينَ... لَمْ يَكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ .)

یعنی: اگر مردم او را در زمره غافلان به شمار آورند، و ذکر خدا را بر زبان او مشاهده نکنند، خداوند او را از ذاکران و کسانی که پیوسته در یاد اویند محسوب داشته است، زیرا دل او همواره در یاد خداست هر چند آن را بر زبان جاری نساخته است، و اگر در میان مردم زبانش به ذکر خدا مشغول باشد روشن است که از غافلان شمرده نخواهد شد(همان، ص ۷۶۶).

۴. نتیجه :

هدف این تحقیق بررسی ضرورت مبارزه با نفس از منظر امام علی علیه السلام بود. به همین منظور به کتاب نهج البلاغه که خطبه ها ، نامه ها، و حکمت های آن حضرت در آن گردآوری شده، مراجعه شد. و برای فهم بهتر مطالب و تفصیل آن ها از شروح و آیات و روایات استفاده شد، برای درک کامل ، ضرورت مبارزه با نفس به چهار دسته: دشمنی نفس، مبارزه با تمایلات نفسانی، هشدار از خطر نفوذ شیطان، کیفیت نفوذ شیطان. و راه های اصلاح نفس به هشت دسته عبارتند از: خودسازی و تهذیب نفس، به کارگیری نفس در خوبی ها، نظارت بر نفس، محاسبه نفس، مبارزه با خواهش های نفسانی، پاکسازی نفس از بدی ها، مراقبه از نفس، تسلط بر نفس، که بعد از تقسیم بندی به آن ها پرداخته شد.

و با دقت به کلام مولا علیه السلام در این تحقیق می تواند به درک ضرورت مبارزه با نفس بینجامد. و همچنین فهم این ضرورت ، انسان را به رضای الهی نزدیک کرده و موجب کمال خویش شود.

۵. فهرست منابع :

❖ قرآن

❖ نهج البلاغه

الف) کتب فارسی:

- ۱) ابن علی بحرانی، میثم (۱۴۱۷ق)، شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی، محمدی مقدم، نوایی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ج ۳، ۵.
- ۲) آخوندی و جمعی از نویسندگان، مصطفی (۱۳۷۸ش)، اصطلاحات نظامی در فقه اسلامی، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ج ۱.
- ۳) خوانساری، جمال الدین محمد (۱۳۶۶ش)، شرح محقق بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غُرر الحکم و دُرر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ج ۴، ح ۶۷۹۴.
- ۴) دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران موسسه انتشارات و چاپ، ج ۲.
- ۵) فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۶۷ق)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: چاپخانه سپهر، ج ۳.
- ۶) مروج، حسین (۱۳۷۹ش)، اصطلاحات فقهی، قم: بخشایش.
- ۷) مکارم شیرازی . ناصر (۱۳۸۶). پیام امیرالمومنین. تهران. دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ۳، ۸.
- ۸) نفیسی، علی اکبر (بی _ تا)، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، ج ۵.

ب) کتب عربی:

- ۹) ابن ابی الحدید، ابراهیم (۱۴۰۴ق) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۶.
- ۱۰) ابن أبی فراس، ورام (۱۴۱۰ق)، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)، قم: مکتبه الفقیه، ج ۱.
- ۱۱) آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، الذریعه الى تصنیف الشیعه، بیروت: دار الاضواء، ج ۲۴.
- ۱۲) مصطفوی، حسن (۱۳۸۵ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ج ۳.

ج) وب سایت ها و نرم افزار ها:

- ۱۳) پرتال جامع علوم انسانی
- ۱۴) سایت اهل بیت
- ۱۵) کتابخانه فقاها
- ۱۶) نور مگز

